



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر
موضوع جزئی: ضد - بررسی ثمره عملی - بررسی پاسخ دوم به شیخ بهایی
سال دهم
تاریخ: ۱۴ / مهر / ۱۳۹۷
مصادف با: ۲۷ محرم ۱۴۴۰
جلسه: ۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در ثمره مسئله ضد به این جا رسید که شیخ بهایی ثمره مسئله ضد را انکار کرده و فرمودند: چه قائل به اقتضاء شویم و چه قائل به عدم اقتضاء، نماز مزاحم با ازاله نجاست از مسجد باطل است.

پاسخ هایی به ایشان داده شد:

پاسخ اول محقق خراسانی به شیخ بهایی: لازم نیست برای عبادت قصد امر کنیم، همین مقدار که عمل محبوب مولی باشد و مکلف قصد محبوبیت یا قصد ملاک کند کافی است.

پاسخ محقق خراسانی به شیخ بهایی مورد اشکال محقق نایینی قرار گرفت که در جلسات قبل بیان شد و مورد بررسی قرار گرفت پاسخ دوم به شیخ بهایی: (البته این پاسخ در کفایه بعد از بحث ترتب بیان شده است که اصل آن نیز از محقق کرکی است و بعد به تبع ایشان کاشف الغطاء آن را بیان کرده است.) شیخ بهایی فرمودند: فرقی بین دو قول از حیث بطلان نماز نیست، زیرا اگر قائل به اقتضاء شویم و بگوییم امر به شیء مقتضی نهی از ضد است طبیعتاً نماز به عنوان واجب مهم در مقابل ازاله مورد نهی قرار گرفته است و اگر نهی به این عمل عبادی تعلق بگیرد موجب فساد است. پس علی القول به اقتضاء این نماز باطل است اما علی القول بعدم الاقتضاء نیز معنایش این است که دیگر این نماز که در برابر ازاله است نهی ندارد، ولی مشکل دیگری وجود دارد و آن این که این نماز دیگر امر ندارد. درست است که نماز منهی عنه نیست، ولی چون مزاحمت با ازاله پیدا کرده و ازاله واجب اهم از نماز است، قهراً با وجود امر به ازاله دیگر امر به نماز کنار می رود، گانه این نماز دیگر امر ندارد. وقتی نماز امر نداشت، دیگر نمی توانیم عمل را به قصد قربت بیاوریم. زیرا قصد قربت یعنی قصد امتثال امر و عبادتی که در آن قصد قربت نباشد، فاسد است. نتیجه این است که اگر قائل بعدم اقتضاء نیز باشیم عمل فاسد است.

(پاسخ محقق کرکی و کاشف الغطاء و محقق خراسانی) سخن شیخ بهایی تنها در جایی درست است که متزاحمین مضیق باشند. یعنی اگر هنگام غروب، شخصی وارد مسجد شد و مشاهده کرد که مسجد نجس است، از یک طرف امر به ازاله نجاست از مسجد که یک واجب فوری است متوجه او می شود و از طرف دیگر امر به نماز ظهر و عصر که آن ها نیز واجب فوری می باشند. فرض این است که وقت ضیق است. اگر هر دو واجب فوری باشند، اشکال شیخ بهایی وارد است. زیرا بالاخره امر به دو فعلی که قابل اجتماع نیستند محال است، امکان ندارد شارع مکلفین را مأمور به کارهایی کند که امکان انجامشان با هم نیست. پس ناچار

یکی از این دو باید کنار رود، قهراً در این مسئله باید ببینیم که کدام واجب است و کدام واجب مهم. زیرا امر واجب اهم بر واجب مهم غلبه پیدا می‌کند و طبعاً واجب مهم در این زمان مأمور به نیست.

اما اگر دو واجب متوجه مکلف شد، یکی مضیق و فوری و دیگری موسع و غیر فوری. مثل این که مکلف اول ظهر وارد مسجد شود و ببیند مسجد نجس است از یک طرف امر به ازاله نجاست که یک واجب فوری است متوجه او شده است و از طرف دیگر امر به نماز ظهر که مضیق نیست متوجه او شده. محقق کرکی می‌گوید: در جایی که تراحم بین واجب مضیق و واجب موسع باشد می‌توانیم قائل به صحت فرد مزاحم با واجب اهم شویم.

پس سخن شیخ بهایی در جایی که دو واجب مضیق باشد تمام است. زیرا خواه یا ناخواه یک امر کنار می‌رود و زمانی که یک امر کنار می‌رود دیگر قصد آن امر و یا حتی ملاکش را هم نمی‌توان کرد. ولی اگر یک واجب، مضیق و یک واجب، موسع بود، درست است امر به اهم مقدم بر امر به مهم است، یعنی امر به ازاله مقدمه بر امر به نماز است، ولی اگر کسی به امر اهم اعتنا نکرد و نماز خواند، نمازش صحیح است. زیرا امر متوجه طبیعت نماز شده است.

اگر مصداقی از نماز مشکل داشت، امر به طبیعت به قوت خودش باقی است و وقتی مکلف به جای ازاله، نماز می‌خواند، آن طبیعت همچنان باقی است و به عنوان مصداق اتیان می‌شود. درست است که نماز مزاحم مصداق مأمور به بما هو مأمور به نیست، ولی این مصداق طبیعت نماز است و به همین اعتبار عقل می‌گوید: هر چند مکلف مصداق مأمور به بما هو مأمور به را نیاورده، اما مصداق طبیعتی که مورد امر بوده را اتیان کرده است. بنابراین از نظر عقل مکلف امتثال امر مولی را کرده و عملش صحیح است.^۱

قبل از بررسی پاسخ دوم ابتدا لازم است مقدمه‌ای ذکر شود جواب دوم توسط محقق خراسانی یک نحوه تقریر شده و توسط محقق نایینی طور دیگر تقریر شده است. این دو تقریر با هم فرق می‌کنند. (به فوائد الاصول، ج ۱، ص ۳۱۲؛ مراجعه نمایید) اگر مطالب به طور دقیق مورد توجه قرار نگیرد و تفاوت‌های سخنان ملاحظه نشود گمان می‌شود همه این بزرگان شبیه هم صحبت کردند. شیخ بهایی اشکالی کرده است و محقق کرکی و کاشف الغطاء نیز به ایشان پاسخی داده‌اند.

جواب محقق کرکی به شیخ بهایی را محقق خراسانی یک نحو تقریر کرده و محقق نایینی طور دیگری تقریر کرده است. چه بسا اگر دقت نشود، این دو مثل هم به نظر بیایند، در حالی که تقریبی که محقق نایینی از پاسخ محقق کرکی به شیخ بهایی ارائه دادند، با تقریبی که محقق خراسانی از بیان محقق کرکی ارائه دادند فرق می‌کند.

کأنه محقق خراسانی می‌پذیرد و قبول دارد که چون نماز مزاحم ازاله نجاست از مسجد شده است، این فرد مزاحم، با واجب اهم بخاطر مزاحمت از دایره امر خارج شده است.

تکیه شیخ بهایی بر این نکته بود که نماز فاسد است، زیرا امری به آن تعلق نگرفته است. نمازی که مبتلا به مزاحمت با ازاله شده امر ندارد. همین که فعلی امر ندارد ولو این که نهی متوجه آن نشده باشد، اتیانش علی وجه صحیح ممکن نیست. زیرا نماز به عنوان عبادت احتیاج به قصد قربت دارد و قصد قربت نیز همان امتثال امر است و قصد امتثال امر نیز متوقف بر خود امر است. وقتی نماز امر ندارد، نمی‌شود آن را علی وجه صحت اتیان کرد.

^۱ جامع المقاصد، محقق کرکی، ج ۵، ص ۱۳؛ کشف القطاء ص ۲۷، درر الفوائد ص ۱۴۰

محقق خراسانی در مقام تقریر اشکال محقق کرکی، در پاسخ به شیخ بهایی می فرماید: ما نیز قبول داریم نماز با مزاحمت با ازاله نجاست از مسجد از دایره مأموریه خارج می شود. یعنی این فرد از نماز که مبتلا به مزاحمت با ازاله نجاست از مسجد است، دیگر مأموریه نیست ولی آیا این نماز بخصوص مصداق طبیعت نماز می باشد یا خیر؟ آیا بر او نماز صدق می کند یا خیر؟ بله، چون امر به طبیعت تعلق گرفته و این نیز مصداق طبیعت است و وقتی عقل مشاهده می کند که مکلف مصداق این طبیعت را اتیان کرده، می گوید: امتثال انجام شده و این عمل محصل غرض مولی است و مکلف غرض مولی را از این عبادت را تحصیل کرده. لذا عقل فرقی بین این نماز و نماز مصداق مأمور به از جهت امتثال نمی بیند.

محقق نایینی همین پاسخ محقق کرکی را به نحو دیگری بیان کرده است.

کسی نگوید محقق نایینی خودشان ثمره را انکار و از شیخ بهایی دفاع کرده است. پس چرا در این جا این گونه می فرماید: زیرا مقام، مقام تقریر سخن محقق کرکی است.

سوال:

استاد: این جا دو بحث است، این که بگوییم اساساً این جواب درست است یا خیر؟ یک مطلب است. این که آن جا این آقایان چه گفته اند و منظورشان چیست؟ حرف دیگری است. ما در مقام داوری نیستیم.

خلاصه بحث

ملاحظه کردید جواب اول محقق خراسانی به شیخ بهایی این بود که درست است که امری وجود ندارد، درست است نمازی که با ازاله مزاحمت دارد فی الحال امر ندارد و مکلف نمی تواند قصد امرش را کند، اما ملاک امر وجود دارد و قصد ملاک کفایت می کند اشکال محقق نایینی و کلام صاحب منتقی الاصول و بررسی هایی که ما نسبت به کلام ایشان انجام دادیم را ملاحظه فرمودید. در این بخش مهم ترین مسئله این است که آیا واقعا می توانیم ملاک را احراز کنیم و بعد آن را قصد کنیم؟ زیرا راه تصحیح این عمل علی القول بعدم الاقتضاء طبق پاسخ اول و سخن محقق خراسانی این است که درست است که مکلف نمی تواند قصد امر کند ولی قصد ملاک را می تواند بکند و نتیجه آن می شود که بر خلاف ادعای شیخ بهایی این نزاع ثمره دارد. زیرا علی القول بعدم الاقتضاء نماز صحیح است و علی القول بالاقتضاء نماز باطل.

شیخ بهایی گفتند: علی کلا القولین نماز باطل است ولی محقق خراسانی فرمودند علی القول بعدم الاقتضاء هم نماز صحیح است زیرا نهی وجود ندارد، درست است که نماز مزاحم با ازاله نجاست از مسجد امر ندارد، اما لازم نیست قصد امر کنیم، بلکه قصد ملاک امر را می کنیم. ملاحظه ای که این جا وجود دارد این است که ملاک را چگونه می خواهید احراز کنید تا قصد ملاک کنید؟ عمده بحث در مورد این پاسخ احراز ملاک است.

اشکالاتی مطرح شد، محقق نایینی مطالبی فرمود که عرض کردیم. نتیجه این شد که می توانیم ملاک را به نوعی احراز کنیم و با قصد ملاک کنیم می توانیم به نماز مزاحم با ازاله نجاست اتیان کنیم.

نتیجه

پاسخ محقق خراسانی صحیح و نماز طبق قول بعدم الاقتضاء صحیح است و طبق قول به اقتضاء باطل است، خلافاً للشیخ البهائی. پاسخ دوم این بود که محقق کرکی و به تبع ایشان دیگران گفتند: در مورد واجب موسع و مضیق به نظر می رسد که شیخ بهایی اشتباه

کرده است. اما حرف ایشان در مورد دو واجب دو مضیق متزاحم درست است و آن جا نمی شود نماز را به جای ازاله از مسجد انجام داد. اما اگر واجب مهم مضیق نباشد منعی از این که این نماز صحیحا اتیان شود وجود ندارد. البته خدمت دوستان عرض شد که محقق خراسانی یک تقریر از سخنان محقق کرکی بیان کرده و یک تقریر نیز محقق نایینی.

بحث جلسه آینده

این جا یک جواب سومی به شیخ بهایی داده شده که همین بحث ترتب است. یعنی در واقع از راه ترتب که یک بحث مفصلی است خواسته اند نماز مزاحم با ازاله را حل کنند.

پس ترتب عنوانی است برای یک راه حل در مشکلی که شیخ بهایی گفته اند که چه قائل به اقتضاء شویم و چه قائل به عدم اقتضاء شویم در هر صورت نماز باطل است.

پس در بحث از ترتب دو مسئله باید مورد توجه قرار گیرد.

۱. ترتب یک راه حل برای یک مشکل است.

۲. ترتب چیست؟

«والحمد لله رب العالمین»